

"مریم مقدس، الگوی کلیسا"

پاپ فرانسیس

در ادامه آموزش‌هایمان درباره کلیسا، امروز مایلیم بر مریم به عنوان تصویر و نمونه کلیسا بنگریم. و این کار را با گرفتن عبارتی از شورای دوم واتیکان آغاز خواهیم کرد: "چنان که امپروز قدیس آموخت، مادر خداوند در ایمان، محبت و یگانگی کامل با مسیح، الگوی کلیسا است."

(۱) **مریم در جایگاه نمونه ایمان.** مریم به چه معنا نشان دهنده نمونه ایمان کلیسا است؟ به این بیاندیشیم که مریم باکره که بود: دختری یهودی که با تمامی قلبش منتظر رستگاری مردمانش بود. اما رازی در دل دختر جوان اسرائیل بود که حتی خود او نیز هنوز آن را نمی دانست: در طرح محبت آمیز خدا، مریم، راهی آن بود تا مادر آن رهایی بخش باشد. در مژده رسانی، فرشته خدا او را "سرشار از فیض" می خواند و این طرح را بر او آشکار می کند. مریم با "آری" پاسخ می دهد و از آن دم زندگی مریم روشنی تازه ای دریافت می کند: که کانونش عیسی است، یعنی پسر خدا، که از او تن گرفت، و تمامی وعده های رستگاری در او برآورده شد. ایمان مریم، برآورده شدن ایمان اسرائیل است، او در بر دارنده تمامی راههایی است که مردم منتظر رستگاری پیمودند. و از این رو است که او نمونه ایمان کلیسا است، کلیسایی که عیسی را که تنیافت محبت بی پایان خدا است، در کانون خود دارد.

مریم چگونه این ایمان را زیست؟ او آن را در سادگی هزاران کار و نگرانی روزانه یک مادر زندگی کرد، چیزهایی مانند فراهم کردن خوراک، پوشاک، خانه داری ... دقیقاً زندگی معمولی بانوی ما، پایه رابطه یکتا و گفتگوی ژرفی شد که میان او و خداوند، میان او و پسرش جاری شد. "آری" مریم که از آغاز کامل بود، تا هنگام صلیب رشد کرد. در آنجا بود که مادرانگی او برای پذیرش هر کدام ما، زندگی هر کدام از ما آغوش گشود، باشد که ما را به سوی پسرش راهنمایی کند. مریم پیوسته در راز خدای انسان شده غرق بود، در جایگاه شاگرد نخست و کامل او، با نگهداشتن همه چیز در دلش، در نور روح القدس، به منظور درک و زیستن اراده خدا.

می توانیم از خودمان بپرسیم: آیا می گذاریم که ایمان مریم که مادر ما است، ما را روشن کند؟ یا به او همچون شخصی دور می اندیشیم که با ما خیلی فرق دارد؟ آیا در لحظات سخت، در آزمایش و در تاریکی همچون نمونه اعتماد به خداوند(خدایی که همیشه و تنها خوبی ما را می خواهد) به او می نگریم؟ بیایید به این بیاندیشیم: احتمالاً برایمان خوب است که مریم را در ایمانی که داشت، به عنوان نمونه و تصویر کلیسا دوباره کشف کنیم!

(۲) **مریم در جایگاه الگوی محبت.** مریم به چه شکل، نمونه زنده محبت برای کلیسا است؟ بیایید به آمادگی ای که او در برابر الیزابت نشان داد بیاندیشیم. در دیدار با الیزابت، مریم نه تنها کمک مادی —چراکه کمک مادی هم بود— آورده بود بلکه عیسی را که در درون او زنده بود را نیز با خود آورد. آوردن عیسی به آن خانه یعنی آوردن شادی، کمال شادی. الیزابت و زکریا از بارداری ای که در سن آنها نشدنی می نمود، شادمان بودند، اما مریم جوان بود که کمال شادی را برایشان آورد، شادی ای که از عیسی و روح القدس می آید و با محبت سخاوتمندانه بیان می شود، با مشارکت، یاری و درک دیگران.

بانوی ما همچنین می خواهد، که هدیه بزرگ عیسی را به ما بدهد، به همه ما: و مریم با عیسی، محبت و آرامش و شادی او را برای ما می آورد. کلیسا در این کار، مانند مریم است: کلیسا فروشگاه نیست، آژانس انسان دوستی نیست، کلیسا یک سازمان غیرانتفاعی نیست. کلیسا فرستاده شده تا مسیح و انجیلش را برای همه بیاورد. چه کوچک چه بزرگ، چه توانا چه ناتوان، کلیسا خودش را نمی آورد، عیسی را می آورد و باید مانند مریم که به دیدار الیزابت رفت باشد. مریم چه چیزی را برای او برد؟ عیسی را. کلیسا عیسی را می آورد: این است کانون کلیسا، بردن عیسی! اگر بر فرض، کلیسا قرار نبود عیسی را ببرد، کلیسایی مرده می بود. کلیسا باید عیسی را برساند، محبت عیسی را، نیکی عیسی را.

درباره مریم، درباره عیسی سخن گفتیم. اما درباره خودمان چه؟ ما که کلیسا هستیم چه؟ چه جور محبتی را برای دیگران می آوریم؟ آیا محبت مسیح است که شریک می شود، می بخشد، همراهی می کند؟ یا محبت کم جانی است، مثل شرابی که آنقدر رقیق شده که مثل آب است؟ آیا دوست داشتن ما استوار است یا دوست داشتنی است آنقدر سست که در پی احساسات است، یا عوض می خواهد، یا محبتی حسابگر است؟ پرسشی دیگر: آیا محبت حسابگرانه برای مسیح خوش آیند است؟ نه، چراکه محبت باید آزادانه بخشیده شود، مانند محبت او. در ناحیه کلیسایی ما در انجمن های ما روابط چطور اند؟ آیا ما مانند خواهران و برادران با هم رفتار می کنیم؟ یا همدیگر را دآوری می کنیم و بد یکدیگر را می گوئیم؟ هر کدامان به فکر حیاط خلوت خودمانیم، یا نگران دیگران هم هستیم؟ اینها است مسائل محبت!

(۳) **مریم در جایگاه الگوی یگانگی با مسیح.** زندگی باکره مقدس، زندگی زنی از جنس مردمان خودش بود: مریم نیایش کرد، کار کرد، به کنیسه رفت ... اما هر کاری با یگانگی کامل با عیسی به انجام رسید. این یگانگی، در تپه صلیب اوج می گیرد: مریم در اینجا در شهید شدن قلبش و در پیشکش کردن زندگانی اش به پدر برای رستگاری انسانیت، با پسر، یگانه است. بانوی ما در رنج یگانه پسر شریک شد، و خواست پدر را به همراه او پذیرفت، در فرمانبری ای که میوه می آورد، و پیروزی راستین در برابر شر و مرگ را تضمین می کند.

واقعیتی که مریم به ما می آموزد، بسیار زیباست: همیشه با عیسی یگانه بودن. از خود بپرسیم: آیا تنها وقتی چیزی اشتباه پیش می رود و نیاز داریم، یاد مسیح می افتیم؟ یا رابطه ما رابطه ای پایدار است، یک دوستی ژرف است، حتی هنگامی که به معنای پیروی از او در راه صلیب باشد؟

بیایید از خداوند بخوایم فیض و قدرت اش را به ما ارزانی دارد، باشد که نمونه مریم، مادر کلیسا در زندگی ما و زندگی هر انجمن کلیسایی بازتاب یابد. چنین باد!